

نمود عادتواره مترجم در سبک ترجمه: مورد پژوهی سبک ترجمه صالح حسینی

مهرنوش فخارزاده* (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شیخ بهایی، اصفهان، ایران)

احمد دباغزاده (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شیخ بهایی، اصفهان، ایران)

چکیده

در مطالعات مترجم، مطالعه سبک ترجمه‌ای مترجمان، به‌ویژه از دیدگاه جامعه‌شناسی، حوزه‌ای توسعه‌نیافته است؛ بنابراین، پژوهش حاضر، نظریه «عمل بوردیو» را به‌عنوان چارچوب نظری جامعه‌شناسی جهت مطالعه نمودهای عادتواره مترجم به کار گرفته است. بدین منظور در ابتدا، پیکره‌ای موازی از دو کتاب *To Moby-Dick; or The Whale* و *the Lighthouse* و دو ترجمه از هر یک از این دو کتاب با شیوه نمونه‌گیری تصادفی ایجاد شد. یکی از ترجمه‌های هر دو کتاب توسط صالح حسینی انجام شده است. نمونه‌ها با بررسی دقیق خروجی‌های نرم‌افزار «انت‌کانک»، در سطوح ساختواره، انتخاب واژگان و عبارات مطالعه شدند و نسبت «نوع-واژه» به «نماد-واژه» محاسبه شد. افزون بر این، به‌منظور تأیید یا رد یافته‌ها، مصاحبه‌ای نیمه‌ساختارمند با صالح حسینی انجام شد. نتایج نشان داد که ابعاد مختلف سبک ترجمه‌ای صالح حسینی از جمله گرایش به استفاده از واژگان عربی و ادبی کهن، گرایش به استفاده از ساختواره‌های متنوع و آرایه‌هایی چون تنابح اضافات، می‌تواند گواهی بر عادتواره ترجمه‌ای وی باشد که از طریق میدان‌هایی که صالح حسینی در آنها به سر برده و موضعی که در آن میداین داشته است، قابل تبیین هستند. میدان‌ها، تجربیات زندگی و ارتباطات صالح حسینی با کنشگران متعدد، سبک وی را در ترجمه شکل داده‌اند و می‌توان آن سبک خاص را سبک کهن‌گرای صالح حسینی نامید.

کلیدواژه‌ها: سبک مترجم، جامعه‌شناسی ترجمه، بوردیو، عادتواره مترجم،

مطالعات مترجم

۱. مقدمه

در حوزه مطالعات ترجمه، بررسی سبک مترجم در مقایسه با مطالعه سبک متن مبدأ و موفقیت مترجم در انتقال آن سبک به متن مقصد، توجه کمی را به خود معطوف کرده است. در دهه اخیر، با تأکید چسترمن^۱ (۲۰۰۹) بر «مطالعات مترجم» در کنار مطالعات ترجمه، پژوهشگران این حوزه، بیش‌ازپیش با رویکردهای متفاوتی، از جمله مورد پژوهی (برای مثال، کومیکو^۲، ۲۰۱۴؛ یاناکوپولو^۳، ۲۰۱۴)، به مطالعه سبک ترجمه‌ای مترجمان کتبی و شفاهی پرداخته‌اند. از ویژگی‌های برجسته مطالعات مترجم، این است که مترجم متن را، به‌عنوان فردی که در ورای متن ایفای نقش می‌کند، در اولویت و بررسی متون ترجمه‌شده را، در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌دهد (چسترمن، ۲۰۰۹).

هرچند پیش از پیشنهاد چسترمن مبنی بر اهمیت یکسان مطالعات مترجم و مطالعات ترجمه، گیدن توری^۴ مسیر مطالعات ترجمه را از پژوهش‌های صرفاً زبانی به بستر جامعه‌کشانده و با معرفی مفهوم «هنجار»^۵ درصدد تفسیر رفتار ترجمه‌ای مترجمان برآمد؛ اما در حقیقت، با استفاده از مفهوم هنجار تنها می‌توان رفتار جمعی و مشترکات عملکرد مترجمان را در زمان مشخص یا در مسیر زمان تبیین نمود. به اعتقاد توری (۱۹۹۵)، رفتارهای هنجارمند بیانگر مطابقت و مناسبت رفتار ترجمه‌ای مترجم با انتظارات مصرف‌کنندگان ترجمه هستند؛ اما نمی‌توان انکار کرد که اگر یک متن را دو یا چند مترجم ترجمه کنند، علی‌رغم یکسان بودن پیشینه تاریخی و فرهنگی-اجتماعی‌شان، حاصل کار ترجمه آنها با یکدیگر متفاوت خواهد بود. به اعتقاد بیکر^۶ (۲۰۰۰)، غیرممکن است متنی ترجمه شود و انگشت‌نگاره مترجم بر آن

-
1. Chesterman
 2. Kumiko
 3. Yannakopoulou
 4. Gideon Toury
 5. norm
 6. Baker

باقی نماند؛ بنابراین، فروکاستن نقش و وظیفه مترجم به بازآفریننده سبک متن مبدأ، نه ممکن است و نه جایز.

به منظور روشن شدن عوامل زمینه‌ساز انتخاب‌ها و ترجیحات متفاوت مترجمان و به عبارتی، شناخت عواملی که باعث می‌شوند مترجمان سبک ترجمه‌ای متمایزی داشته باشند، بجاست اگر بپرسیم علت تفاوت در انتخاب‌های مترجمین در سطح خرد، یعنی گزینش‌های زبانی، و در سطح کلان، یعنی گزینش اثر و تفسیر آن، چه می‌تواند باشد؟

بدون شک، یکی از زوایای پژوهش در مطالعات سبک مترجم، «زاویه جامعه‌شناختی» است. چسترمن (۲۰۰۹، ص. ۱۶) نیز به حق جامعه‌شناسی ترجمه را مشتمل بر سه حوزه می‌داند: «جامعه‌شناسی آثار ترجمه‌شده، جامعه‌شناسی مترجمان و جامعه‌شناسی فرایند ترجمه». جامعه‌شناسی مترجمان بیش از هر چیز به جایگاه مترجمان، شرایط کاری آنها، خصلت مترجمان و تأثیر عوامل مختلف بر کار و دیدگاه آنها می‌پردازد. پرواضح است که بررسی سبک مترجم و تبیین گزینش‌های او در سطح خرد و کلان در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی مترجمان قرار می‌گیرد. از یک سو، مترجم در ابتدای کار از میان آثار متعدد، اثر خاصی را برمی‌گزیند و در سطح کلان از عاملیت خود که تأثیر گرفته از عوامل متعددی است، مایه می‌گذارد و از سوی دیگر، به هنگام ترجمه، با توجه به بضاعت زبانی و فرهنگی خود، در کنار ذوق و قریحه‌اش که این نیز تأثیر گرفته از عواملی است، گزینش می‌کند.

ماهیت میان‌رشته‌ای مطالعات ترجمه و مطالعات مترجم به پژوهشگران این حوزه امکان داده تا از نظریات حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی بهره‌برند. از جمله چارچوب‌های نظری جامعه‌شناختی که می‌تواند در تبیین سبک مترجم کاربرد داشته باشد نظریه «جامعه‌شناسی عمل»^۱ پیر بوردیواست؛ چراکه با معرفی مفاهیم

درهم‌تنیده‌ای چون «میدان یا زمینه»^۱، «عادتواره»^۲ و «سرمایه»^۳ به مطالعه مسائل و حیات اجتماعی می‌پردازد و هم‌زمان، قابلیت تمرکز بر ساختار و کنش فردی را دارد (سیدمن^۴، ۱۳۹۲).

نگارندگان پژوهش حاضر بر آنند تا با توسل به چارچوب نظری جامعه‌شناسی عمل بوردیو و به‌ویژه با بهره‌گیری از مفهوم عادتواره، به تشریح و بررسی ارتباط سبک مترجم با عادتواره‌های او بپردازند. در ادامه، نگارندگان ابتدا به شرح مفاهیم کلیدی بوردیو و ارتباط آن با سبک مترجم می‌پردازند. پس‌از آن، با ارائه پیشینه کوتاهی از مطالعات سبک مترجم، شیوه پژوهش و نتایج بررسی‌ها را ارائه خواهند نمود.

۲. پیشینه پژوهش

یکی از مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی بوردیو «عادتواره» است. هدف اصلی بوردیو از خلق این مفهوم و متمایز ساختن آن از مفهوم «عادت»^۵، تأکید وی بر نقش فعالانه عاملان در ساخت واقعیت‌ها، ادراک جهان و ارزش‌گذاری‌ها بوده است. از دیدگاه بوردیو، عادتواره در حقیقت خلق و خو یا موضع‌گیری^۶ ماندگاری است که طی مدت زمانی طولانی شکل می‌گیرد و ساختار می‌یابد (بوردیو، ۱۹۷۷). عادتواره که مجموعه‌ای از طرح‌های ملکه‌ذهن شده است، شکل برخورد افراد با قضایا را در شرایط مختلف تعیین می‌کند، نه مطلقاً آگاهانه است و نه مطلقاً ناخودآگاه و برخاسته از محیط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی فرد است. عادتواره با مفهوم دیگری پیوند می‌خورد که «میدان» یا «زمینه» نام دارد. به‌زعم بوردیو، عاملان در فضاها^۷ اجتماعی عینی عمل می‌کنند نه در خلأ. این فضاها خود متشکل از میدان‌هایی هستند و هر یک

-
1. field
 2. habitus
 3. capital
 4. Seidman
 5. habit
 6. disposition
 7. social space

ساختار عینی و ویژگی‌های متمایزکننده خود را دارند (بورديو، ۱۹۸۶). بر هر میدان قوانین خاص همان میدان حاکم است اما این قوانین، ضمنی و نانوشته هستند و عاملان برای کنش مناسب در آن میدان و اتخاذ راهکار صحیح، باید آنها را نهادینه کنند (بورديو و وکان، ۱۹۹۲). افرادی که تجربه به سر بردن در میدان‌های متفاوت را دارند، عادتواره‌شان نیز متفاوت است، چراکه موضع‌گیری‌ها و خلق‌وخوی افراد تا اندازه زیادی با نحوه جامعه‌پذیری‌شان در میدان‌های متفاوت همچون خانه، مدرسه و نهادهای دیگر، در ارتباط است.

عادتواره به شکل جامعه‌پذیری اصلی^۲ و فرعی^۳ قابل اکتساب است و می‌توان گفت عادتواره‌ها یا اصلی هستند یا فرعی. جامعه‌پذیری اصلی در کودکی و در نهاد خانواده به دست می‌آید و نتیجه آن، شکل‌گیری عادتواره پایدار است، یعنی همان طرح‌واره‌های عملی و ادراکی که در زمان کودکی از طریق آموزه‌های خانوادگی و موضع اجتماعی^۴ والدین در یک فضای اجتماعی انتقال می‌یابد (بورديو، ۱۹۷۷)؛ بنابراین، می‌توان گفت طرز تفکر، احساس و رفتار والدین و دیگر افراد خانواده که با موضع^۵ آنها در فضای اجتماعی نهادینه شده است، به شکل عادتواره نهادینه شده در کودکان بروزمی‌کند.

جامعه‌پذیری فرعی بر عادتواره اصلی سوار می‌شود، بدین معنی که عادتواره اصلی بر مسیر زندگی و انتخاب آن و طبیعتاً بر شکل یافتن عادتواره فرعی تأثیرگذار است. این دسته از عادتواره‌ها از طریق تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی و همچنین به‌واسطه تجارب زیستی به دست می‌آیند (بورديو، ۱۹۷۷). از این‌رو، عادتواره برآیند تجارب حال و گذشته افراد هستند. بورديو معتقد است، هرچند افراد با ورود به میدان‌های جدید، متناسب با موضع‌شان در آن میدان‌ها،

-
1. Wacquant
 2. primary socialization
 3. secondary socialization
 4. social position
 5. position

موضع‌گیری‌ها و ذائقه خاصی پیدا می‌کنند و قواعد بازی در آن میدان^۱ را فرامی‌گیرند، اما عادتواره‌ها تقریباً پایدارند، هرچند ابدی نیستند و در نسل‌های مختلف رنگ و بوی متفاوتی می‌یابند.

از دیگر مفاهیم کلیدی نظریه بوردیو «سرمایه» است. عاملان برای ورود به هر میدان می‌بایست از نعمت منابع یا سرمایه‌هایی برخوردار باشند و در آن میدان خاص از آن سرمایه، مایه بگذارند. در هر میدان، سرمایه خاصی ارزشمند است (بوردیو، ۱۹۸۶) و نوع و میزان سرمایه است که موضع عاملان در یک میدان را مشخص می‌کند. منظور از سرمایه، تنها منابع مادی نیست بلکه سرمایه‌ها انواعی دارند: سرمایه اقتصادی^۲، سرمایه فرهنگی^۳، سرمایه اجتماعی^۴ و سرمایه نمادین^۵. به اعتقاد بوردیو سرمایه، هر آن چیزی است که در بهره‌مند ساختن عاملان از منافع خاص تأثیری گذارد. گرچه تمیز دادن انواع سرمایه همیشه کار آسانی نیست، اما در مجموع، سرمایه اقتصادی از دارایی‌های مادی، سرمایه اجتماعی از تعلق گروهی و خانوادگی و سرمایه نمادین از شهرت، حیثیت و آوازه افراد سرچشمه می‌گیرند. سرمایه فرهنگی آموخته‌ها، دانش و مهارت‌های فرد است و به سه شکل قابل تصور است. سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته که به خلق و خوی شخص بدل می‌شود، درونی‌شده و غیر قابل انتقال است و می‌توان آن را عادتواره دانست. سرمایه فرهنگی عینیت یافته، کالاهای فرهنگی ملموس و قابل انتقال از طریق صاحبانشان هستند؛ و بالاخره، سرمایه فرهنگی نهادی شده آن سرمایه‌ای را گویند که به فرد صلاحیت فرهنگی می‌دهد و باعث می‌شود فرد صلاحیت اجتماعی کسب کند (بوردیو، ۱۹۸۶).

به‌زعم بوردیو (۱۹۸۴)، امور ذوقی^۶، مثل ترجیحات زیبایی‌شناختی، ذائقه هنری، درک و خلق زیبایی و حتی تولید محتویات زبانی، حاصل موضع‌گیری‌هایی هستند

1. illusio
2. economic capital
3. cultural capital
4. social capital
5. symbolic capital
6. matters of taste

که عادتواره در فرد ایجاد می‌کند. از این رو، می‌توان عادتواره را «ابزاری نظری در نظر گرفت و انتخابِ اثر برای ترجمه، تفسیر مترجمان از متن مبدأ و انتخاب‌های آنان را در حین ترجمه بر اساس این ابزار نظری تبیین نمود» (یاناکوپولو، ۲۰۱۴، ص. ۱۶۳).

یکی از علل اهمیت مفهوم عادتواره در مطالعات مترجم آن است که با استفاده از این مفهوم پژوهشگران می‌توانند توجه خود را هرچه بیشتر و عمیق‌تر به کنشگران عرصه ترجمه معطوف کنند. ذائقه زیبایی‌شناختی مترجم که دست‌درست سبک وی دارد و به او ادراکی از جایگاهش در یک میدان می‌دهد، به ساختمان ذهنی و عادتواره مترجم برمی‌گردد که اندیشه و گزینش‌های او را هدایت می‌کند. اگر سبک را تکرار ناآگاهانه و گاهی آگاهانه ویژگی‌های یک اثر بدانیم که ریشه در خلق و خو و ذائقه دارد (شمیسا، ۱۳۷۶)، آنگاه می‌توانیم با استفاده از دیدگاه بوردیو، سبک را هم‌زمان نوعی رفتار جمعی و فردی در نظر بگیریم. سبک جمعی ناظر بر رفتارهای مشترک مترجمان است که به شکل هنجار بروز می‌کند. مترجمان در زمینه اجتماعی یکسان و میادین مشترک که جایگاه یکسانی در میدان ترجمه دارند، قواعد بازی در این میدان را در طول زمان کسب کرده‌اند و سرمایه ارزشمند را می‌شناسند، پس مشترکاتی در رفتار ترجمه‌ای بروز می‌دهند. از سوی دیگر، سبک فردی بازتاب پیشینه تاریخی، خانوادگی و طبقه اجتماعی است که می‌تواند به واسطه گزینش اثر، شکل تفسیر و انتخاب راهبردهای ترجمه به منصفه ظهور برسد.

در ارتباط با سبک مترجم که تمرکز اصلی مقاله حاضر است، دلزنده‌رودی (۲۰۱۰) با هدف بررسی سبک مترجم و تعهدش در انتقال سبک و شیوه نگارش نویسنده متن مبدأ، با استفاده از مفهوم هنجار توری به بررسی و مقایسه دو ترجمه از رمان به‌سوی فانوس دریایی^۱ پرداخت. حُرّی (۱۳۹۰)، با توجه به همگانی‌های ترجمه^۲، سبک حسینی را در ترجمه‌خشم و هیاهو بررسی کرد. یافته‌های حُرّی حاکی از آن بود که ردپای ترجمه صالح حسینی با کاربرد فراوان «طبیعی‌سازی»^۳ نمود می‌یابد. در مطالعه دیگری دلزنده‌رودی و اولیایی (۱۳۹۳) به مقایسه دو ترجمه از رمان *The Waves* پرداختند و انتقال سبک روایی نویسنده را از منظر

1. *To the Lighthouse*
2. translation universals
3. normalization

وجهیت بررسی کردند. یاناکوپولو (۲۰۱۴) نیز با واکاوی مسیر زندگی و عادتواره هیموناس^۱، مترجم هملت به زبان یونانی، به مطالعه ارتباط سبک مترجم، در سطح کلان و خرد، با عادتواره او پرداخت.

تأثیر جنسیت مترجم بر سبک ترجمه از دیگر حوزه‌هایی است که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند. برای مثال، رضوانی و احمدیان (۱۳۸۹) با در نظر گرفتن جنسیت مترجمان، سبک نگارش آنها و نوع متن، به مطالعه کیفیت و سبک ترجمه پرداختند. نتایج نشان داد سبک نگارش مترجم و سبک ترجمه وی با یکدیگر در ارتباط است.

مطالعات ترجمه در دو دهه اخیر از روش‌های مبتنی بر پیکره زبانی نیز بهره فراوان برده است. مطالعات ترجمه «پیکره-محور»^۲ به ویژه در پژوهش‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که با رویکرد پیکره‌ای ویژگی‌های زبانی متن مبدأ یا مقصد را بررسی و در کنار سایر روش‌ها و از زوایای متفاوت، یافته‌ها را تفسیر می‌کنند. در حقیقت، به زعم برخی از صاحب‌نظران، می‌توان در مطالعات ترجمه از پیکره به منظور ابزار «چندزاویه‌نگری داده‌ها»^۳ (مالاماتیدو، ۲۰۱۸) استفاده کرد. برخی از پژوهشگران نیز با تلفیق مطالعات ترجمه «پیکره-محور» و مطالعات «ترجمه انتقادی»^۴ (هیو و لی، ۲۰۱۹) به مطالعه واژگان، ساختار و الگوهای تکرارشونده در متون ترجمه‌شده پرداخته‌اند و با هدف آشکارسازی تأثیر عواملی همچون جنسیت (منگ، ۲۰۱۹) و فضای ایدئولوژیک و سیاسی (هیو و لی، ۲۰۱۹)، سبک مترجمان را بررسی کرده‌اند.

دیردال^۵ (۲۰۱۹) با رویکرد پیکره‌ای به بررسی عوامل مؤثر در ترجمه ادات وصفی (-ing) از انگلیسی به نروژی پرداخت. با تحلیل ده ترجمه از یک داستان کوتاه که توسط مترجمین حرفه‌ای ترجمه شده بود، دیردال دریافت که در کنار

1. Himonas
2. corpus-based translation studies
3. data triangulation
4. Malamatidou
5. critical translation studies
6. Hu & Li
7. Meng
8. Dirdal

عواملی چون نقش و معنای این ساختار در متن انگلیسی، انتخاب ساختارهایی چون جملات پایه، جملات وابسته و حذف عناصر پیوندی هم‌پایه می‌تواند به سبک فردی هر یک از مترجمان ارتباط داشته باشد.

لی^۱ (۲۰۱۷) در یک مورد پژوهی، با بهره‌گیری از تلفیق روش‌های کمی و کیفی، رویکرد پیکره‌ای و اسناد پژوهی، به بررسی سبک دو مترجم در ترجمه یک رمان چینی به زبان انگلیسی پرداخت. شاخص‌های کمی در پژوهش لی نسبت «نوع-واژه» به «نماد-واژه» و متوسط طول جمله بودند. نتایج نشان داد، مترجمان در مجموع، دو راهکار متفاوت برای برگردان واژگان و عناصر فرهنگی اختیار کردند. با مطالعه پیرامتن‌ها و سایر اسناد مشخص شد این تفاوت در عملکرد ترجمه که سبک ترجمه‌ای متفاوتی را رقم می‌زند ریشه در دیدگاه مترجمان نسبت به ترجمه دارد و این امر، خود، متأثر از فضای ایدئولوژیک و سیاسی متفاوتی است که مترجمان در آن به سر برده‌اند.

با توجه به اهمیت مطالعات مترجم و کارآمدی نظریه «جامعه‌شناسی عمل» بوردیو، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پیکره‌ای در کنار مصاحبه، درصدد یافتن تجلی بیرونی سبک مترجم به‌نام، صالح حسینی، و ارتباط آن با عادتواره اوست.

۳. روش پژوهش

۳.۱. طرح تحقیق

پژوهشگران تحقیق حاضر از طرح تحقیق «چند-مسیر»^۲ (تدلی و تشکری^۳، ۲۰۰۹) برای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق استفاده کردند. در یک مسیر، تحلیل کیفی و کمی متون ترجمه‌شده انجام شد و در مسیر دوم، به‌منظور تأیید یا رد یافته‌های مسیر اول و همچنین به‌منظور پی‌بردن به عادتواره مترجم و نحوه شکل‌گیری آن در گذر زندگی، مصاحبه نیمه‌ساختارمندی با مترجم صورت گرفت.

1. Li

2. multi-strand design

3. Teddlie & Tashakkori

۲.۳. پیکره پژوهش

دو ترجمه از کتاب به سوی فانوس دریایی اثر ویرجینیا وولف^۱ و دو ترجمه از کتاب موبی دیک یا نهنگ بحر^۲ اثر هرمان ملویل^۳ به همراه متن اصلی دو اثر، پیکره پژوهش حاضر را تشکیل دادند. یکی از ترجمه‌های این دو کتاب توسط صالح حسینی انجام شده است. ترجمه دوم از کتاب به سوی فانوس دریایی توسط خجسته کیهان و ترجمه دوم از کتاب موبی دیک یا نهنگ بحر، با عنوان موبی دیک یا وال سفید، کار پرویز داریوش است؛ بنابراین، بررسی سبک ترجمه‌ای صالح حسینی، اولاً، در دو کتاب ترجمه‌شده توسط ایشان و در ثانی، در مقایسه با دو مترجم دیگر صورت گرفت.

۳.۳. نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها

شاخص‌های زبانی متعددی برای متمایز کردن سبک و گویش فردی^۴ نویسنده و مترجم در ادبیات مربوط به سبک برشمرده شده است (زنتین^۵، ۲۰۱۳)، اما بررسی دستی آنها در کل اثر ادبی یا اثر ترجمه‌شده کار دشواری است. بدین سبب، به منظور سهولت بررسی در مسیر اول پژوهش، در ابتدا یک‌پنجم از صفحات متن انگلیسی کتاب موبی دیک یا نهنگ بحر و نیمی از صفحات نسخه انگلیسی به سوی فانوس دریایی به صورت تصادفی انتخاب و ترجمه متناظر با آن صفحات در چهار کتاب ترجمه‌شده نمونه‌گیری شدند. تفاوت در نسبت انتخاب صفحات به دلیل حجم متفاوت دو کتاب اصلی و ترجمه‌شده بود. تعداد کل صفحات کتاب‌های انگلیسی و ترجمه‌شده و تعداد صفحات نمونه‌گیری‌شده در جدول ۱ مشخص شده است.

-
1. Virginia Woolf
 2. Moby-Dick; or the Whale
 3. Herman Melville
 4. idiolect
 5. Zanettin

جدول ۱. تعداد صفحات پیکره پژوهش و تعداد صفحات نمونه‌گیری شده

تعداد صفحات نمونه‌گیری شده	تعداد صفحات کل کتاب	نویسنده/مترجم	عنوان کتاب
۱۳۱	۶۵۴	هرمان ملویل	<i>Moby- Dick; or The Whale</i>
۹۰	۴۲۱	پرویز داریوش	موبی‌دیک یا وال سفید
۱۴۹	۷۴۱	صالح حسینی	موبی‌دیک یا نهنگ بحر
۱۰۴	۲۰۹	ویرجینیا وولف	<i>To the Lighthouse</i>
۱۲۸	۲۶۱	خجسته کیهان	به سوی فانوس دریایی
۱۱۹	۲۳۷	صالح حسینی	به سوی فانوس دریایی

در مرحله بعد، با استفاده از نرم‌افزار «تبدیل عکس به متن»^۱ تصاویر صفحات از چهار کتاب فارسی و دو متن اصلی به‌صورت فایل‌های «پی‌دی‌اف» و سپس «وورد» ذخیره شدند. در بازخوانی فایل‌های حاصل‌شده، املای کلمات اصلاح و فاصله و نیم‌فاصله میان کلمات به‌دقت اعمال شد و جملات با فاصله از هم جدا شدند.

سپس با فراخوانی فایل‌ها در نرم‌افزار تحلیل پیکره «انت‌کانک»^۲ نسخه «۲.۵.۳»، در ابتدا، فهرست واژگان^۳ برای هر فایل به‌صورت مجزاً تهیه شد. از میان شاخص‌های پیشنهاد شده در پیشینه مربوط به سبک‌شناسی و سبک‌سنجی^۴، مثل «طول نماد-واژه»^۵، «طول نوع-واژه»^۶، «نسبت نوع-واژه به نماد-واژه»^۷، «پربسامدترین واژه»^۸ و «متوسط طول جمله»^۹ (پاتون و کن^{۱۰}، ۲۰۱۲)، پژوهشگران به بررسی «نسبت نوع-واژه به نماد-واژه» پرداختند. پژوهشگران تحقیق حاضر در کنار این شاخص، به‌منظور

1. OCR
2. AntConc
3. word list
4. stylometry
5. token length
6. type length
7. type/token ratio
8. the most frequent word
9. mean sentence length
10. Patton & Can

بررسی ساختار داخلی کلمات و شیوه انتخاب واژگان، «کلمات تک‌بسامدی^۱» را در انتهای فهرست کلمات مطالعه نمودند تا به الگوهای تکرارشونده در ساختار داخلی کلمات پی‌برند (کنی^۲، ۲۰۰۱). همچنین از دستور «ان‌تایی‌ها^۳» با مدل‌های چهارواژه‌ای^۴ پنج‌واژه‌ای و شش‌واژه‌ای استفاده کردند تا ویژگی‌های سبکی صالح حسینی در سطح عبارت راحت‌تر قابل مطالعه باشد.

۳. ۴. روند تحقیق و تحلیل داده‌ها

پس از آماده‌سازی و گردآوری داده‌های متنی در مسیر اول پژوهش، در ابتدا، نسبت «نوع-واژه» به «نماد-واژه» محاسبه شد تا شاخص تنوع واژگانی به دست آید. کلمات تک‌بسامدی در انتهای خروجی فهرست واژگان و «ان‌تایی‌ها» در هر دو ترجمه از هر دو کتاب و در مقایسه با متن انگلیسی بررسی و واژگان با ساختار داخلی مشابه شمارش شدند.

در مسیر دوم تحقیق، پس از اخذ رضایت آگاهانه از دکتر صالح حسینی (ضمیمه)، یکی از پژوهشگران، مصاحبه حضوری و نیمه‌ساختارمندی در دو نوبت در دفتر کار ایشان انجام داد که مجموعاً ۸۰ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه به شیوه «طرح کلی با برنامه‌ریزی»^۵ (پاتون^۶، ۲۰۰۲) انجام شد و پرسش‌های مصاحبه بر پیشینه ایشان، اعم از پیشینه خانوادگی، تحصیلات و کار متمرکز بودند. همچنین، با توجه به یافته‌های مسیر اول پژوهش، پرسش‌هایی در خصوص سبک ترجمه‌ای ایشان پرسیده شد. متن مصاحبه به‌دقت رونویسی و جهت تحلیل داده‌های روایی از «تحلیل محتوای قیاسی»^۷ (هچ^۸، ۲۰۰۲) استفاده شد. این نوع تحلیل محتوا، زمانی به کار می‌آید که پژوهشگر به دنبال مفاهیم از پیش تعیین شده است.

1. hapex logomena
2. Kenny
3. N-gramms
4. 4-gram models
5. general interview guide
6. Patton
7. deductive content analysis
8. Hatch

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. شاخص تراکم واژگان^۱ در کتب ترجمه‌شده

در مطالعات، ترجمه شاخصی که با محاسبه نسبت «نوع-واژه» به «نماد-واژه» مشخص می‌شود دلالت بر تنوع و تراکم واژگان متن دارد. این شاخص نشان می‌دهد مترجم تا چه میزان از کلمات تکراری و یا واژگان متنوع استفاده کرده است. نسبت بالاتر بیانگر تنوع واژگانی بیشتر و نسبت کوچک‌تر دال بر کاربرد کلمات تکراری بیشتر در متن است. به‌علاوه، در مطالعات ترجمه، این نسبت را «شاخص کاربرد ساده‌سازی»^۲، که یکی از همگانی‌های ترجمه است، می‌دانند (جی^۳، ۲۰۱۲؛ کنی، ۲۰۰۱). پس از فراخوانی فایل‌های متون اصلی و ترجمه‌شده و بررسی خروجی‌های «انت‌کانک»، مشخص شد که این نسبت در ترجمه‌های صالح حسینی و متن اصلی تفاوت چندانی ندارد. جدول ۲ این نسبت را در کتب بررسی شده نشان می‌دهد.

جدول ۲. نسبت «نوع-واژه» به «نماد-واژه» در کتب اصلی و ترجمه‌شده

نام کتاب	مترجم	نسبت نوع-واژه به نماد-واژه
<i>Moby-Dick; or The Whale</i>	صالح حسینی	٪۱۷,۳
	پرویز داریوش	٪۱۷,۱
		٪۱۳,۷
<i>To the Lighthouse</i>	صالح حسینی	٪۱۴,۲
	خجسته کیهان	٪۱۳,۶
		٪۱۱,۱

چنانکه در جدول ملاحظه می‌شود، دو مترجم دیگر - پرویز داریوش، در ترجمه کتاب *موبی‌دیک* یا *وال سفید* و خجسته کیهان، در ترجمه *به سوی فانوس دریایی* - از تنوع واژگان کمتری استفاده کرده‌اند و این شاخص می‌تواند دال بر کاربرد ساده‌سازی بیشتر در ترجمه این دو مترجم، در مقایسه با صالح حسینی، باشد.

1. lexical density
2. simplification
3. Ji

۴.۲. نمود شاخص‌های سبکی حسینی در سطح ساختواژه^۱

وندا‌فزایی^۲

بررسی دقیق کلمات تک‌بسامدی در انتهای فهرست واژگان از خروجی‌های نرم‌افزار «انت‌کانک» حاکی از گرایش صالح حسینی به کاربرد شیوه «وندا‌فزایی» با استفاده از وندهای خاصی بود. برای مثال، افزودن پیشوند «نا-»، به‌عنوان یک پیشوند منفی‌ساز، سبک ترجمه‌ای صالح حسینی را از دو مترجم دیگر متمایز می‌ساخت. نمونه‌هایی از کاربرد این ساختواژه را در مثال‌های زیر می‌توان دید:

1. True, they rather order me about some, and make me jump from spar to spar, like a grasshopper in a May meadow. And at first, this sort of thing is **unpleasant** enough.

- درست است، گاهی فرمانم می‌دهند این‌سو و آن‌سو بروم و کاری می‌کنند که مثل ملخ بر چمنزار از این شاخه به آن شاخه بپریم. کارهایی از این دست در ابتدا **نادلپسند** است (حسینی، ص. ۴۵).

- راست است که اندکی بیش‌ازاندازه به من فرمان می‌دهند و وادارم می‌کنند مثل ملخ روی حاصل، از این شاخه به آن شاخه بجهم و در ابتدای کار این موضوع خیلی مرا **دلخور** می‌کند (داریوش، ص. ۲۴).

2. His hands were beautiful, and his feet, and his voice, and his words, and his haste, and his temper, and his **oddity**, and his passion...

- دست‌هایش قشنگ بود، و پاهایش، و صدایش، و کلماتش، و شتابش، و خلق و خویش، و **ناهم‌رنگی** اش، و شر و شورش... (حسینی، ص. ۱۹۲).

- دست‌های او را زیبا می‌یافت و پاهایش و صدایش و کلماتش و بی‌صبری‌اش، بدخلقی‌اش، و **عجیب بودنش** و اشتیاقش... (کیهان، ص. ۱۸۱).

کلمات مشتقی که با این وندها در نمونه ترجمه صالح حسینی از موبی‌دیک یا نهنگ بحر به کار رفته بودند ۵۴ عدد و در کتاب به سوی فانوس دریایی ۲۰ عدد بودند. از دیگر کلماتی که با این پیشوند در ترجمه صالح حسینی یافت شدند می‌توان به این

1. morphology

2. derivation

کلمات اشاره کرد: «ناییدا»، «ناموزون»، «نادلیذیر»، «ناتندرسست»، «نامیمون»، «ناراستی» و «ناخوشنود».

از دیگر الگوهای تکرارشونده به شیوه وندافزایی در ترجمه صالح حسینی کاربرد پسوند «-وار»، به معنای همچون، مثل و مانند، بود. مثال‌های زیر کاربرد این وند را در آثار صالح حسینی نشان می‌دهند.

3. ...arrested by the glare, now cohered together, and hung **pendulous**, like a knot of numbed wasps from a drooping, orchard twig.

- ... بر اثر محصورماندن در دایره روشنایی، خود را به هم چسبانیده و **پاندول‌وار** آویخته بودند، عین حلقه زنبوران کِرخت از شاخه فروافتان درختی (حسینی، ص. ۶۵۶).

- اکنون همچون عده‌ای زنبور بی‌حال که از شاخه آویزان باغ آویخته به هم چسبیده به **حال معلق** مانده بودند (داریوش، ص. ۳۷۳).

4. ...till Lily thought, how **childlike**...

- حالا دیگر لیلی **کودک‌وار** شده بود... (حسینی، ص. ۶۴).

- و حالا **مثل بچه‌ها** بود... (کیهان، ص. ۷۹).

تعداد کلماتی که با این الگوی واژه‌سازی در ترجمه موبی‌دیک یا نهنگ بحر یافت شدند ۳۶ و در ترجمه به سوی فانوس دریایی ۱۱ مورد بودند. کلماتی چون «شاهوار»، «بنده‌وار»، «اهرم‌وار»، «خداوار»، «زوبین‌وار» و «شبه‌وار» نمونه‌هایی از این الگو هستند.

سومین الگوی تکرارشونده افزودن پسوند «-انه» بود. در نمونه مورد بررسی در کتاب موبی‌دیک یا نهنگ بحر ۶۱ واژه و در کتاب به سوی فانوس دریایی ۳۲ واژه با این پسوند یافت شدند. مثال‌های زیر کاربرد این وند را در ترجمه‌های صالح حسینی نشان می‌دهند.

5. Those were the **knightly** days of our profession, when we only bore arms to succor the distressed...

- آن دوران، دوران **شهسوارانه** پیشه ما بوده، و چون تیغ با خود برمی‌داشته‌ایم

به‌قصد یاری به درماندگان بوده است... (حسینی، ص. ۴۷۸).

- اما این قضیه مربوط به دوران دلاوری و قهرمانی کار و حرفه ماست که سلاح برمی داشتیم تا فقط درماندگان را دریابیم... (داریوش، ص. ۲۷۵).

6. She ought to have floated off instantly upon some wave of **sympathetic** expansion.

- بایستی آنا بر موجی از انبساط همدلانه شناور می شد (حسینی، ص. ۱۷۳).

- حتماً لحظه‌ای از خود بیخود شده بود که تصور کرده بود می تواند نقش بازی

کند (کیهان، ص. ۱۶۳).

از دیگر کلمات یافت شده با این الگو کلماتی چون «بوالهوسانه»، «دیوصفتانه»، «موسیقیانه»، «سرخوشانه»، «متفکرانه» و «خرده‌گیرانه» بودند.

فرایند مکرر نافزوده^۱ و مکرر افزوده^۲

از دیگر الگوهای ساختارهای پرتکرار در ترجمه صالح حسینی کاربرد واژگان «مکرر نافزوده، یا مضاعف‌سازی»، و «مکرر افزوده» است. در مکررهای نافزوده که نوعی فرایند ترکیب^۳ است به جای دو واژه متفاوت، یک پایه تکرار می شود (هسپلمت و سیمز، ۲۰۱۰؛ شقاقی، ۱۳۹۲). در فرایند مکرر افزوده علاوه بر دو پایه مکرر، یک تکواژ دستوری آزاد یا وابسته در میان دو پایه یا در انتهای مکرر افزوده می شود (شقاقی، ۱۳۹۲). صالح حسینی در نمونه ترجمه موبی دیک یا نهنگ بحر ۵۶ مورد و در ترجمه به سوی فانوس دریایی ۴۴ مورد مکرر نافزوده به کار برده است. مثال‌های زیر گویای این مطلب هستند.

7. The tableau all waned at last with the pallidness aloft; and once more the Pequod and **every soul** on her decks were wrapped in a pall.

- کل این منظره تماشایی، آخر الامر، با محاق آتش بی فروغ بالای سر دکل‌ها محو

شد؛ و بار دیگر پی‌کواد و یکان‌یکان آدم‌های روی عرشه‌اش در کفن جامه پیچیده شدند (حسینی، ص. ۶۵۵).

1. reduplication
2. duplifix
3. compounding
4. Haspelmath & Sims

- عاقبت تمامی صحنه با رنگ‌پریدگی بالا کاهش یافت و بار دیگر کشتی پکوئود و تمامی نفراتی که بر عرشه‌های آن بودند در پوشش پیچیده شدند (داریوش، ص. ۳۷۲).

8. It paled beside this "rapture," this silent **stare**...

- در برابر این (جذبه) این خیرخیر ساکت، رنگ می‌باخت (حسینی، ص. ۶۱).
 - در برابر این شور و اشتیاق، این خیرگی ساکت هیچ نبود... (کیهان، ص. ۶۰).
 از دیگر کلمات با الگوی مکرر نافزوده «اندک‌اندک»، «کج‌کج»، «کورمال‌کورمال»، «یکان‌یکان» و «بلندبلند» بودند. به علاوه، تعداد کلمات با الگوی ساختارهای مکرر افزوده در نمونه مورد بررسی از ترجمه موبی‌دیک یا نهنگ بحر ۱۸ و در نمونه ترجمه به سوی فانوس دریایی ۱۰ مورد بودند:

9. There's a pretty fellow, now," he banteringly **laughed**, standing in the ship's bows, "there's a jackal for ye! I well know that these Crappoes of Frenchmen are but poor devils in the fishery.

- وی، که در سینه کشتی ایستاده بود، خندخندان به مطایبه گفت: جناب آقا را باشید! خود خودش است. از دم خروسش پیداست! خوب می‌دانم که این فرانسوی‌های طُفیلی در کار ماهیگیری سررشته‌ای ندارند (حسینی، ص. ۵۲۹).
 - خنده‌ای طیبت‌آمیز کرد و گفت: خوب آدمی گیر آوردیم‌ها! از آن شغال مرده‌هاست. من خوب می‌دانم که این گنده‌های فرانسوی در والگیری، آدم‌های کثیفی هستند (داریوش، ص. ۳۰۳).

10. They came, **lagging**, side by side, a serious, melancholy couple.

- پهلو به پهلو هم، لنگ‌لنگان، با قیافه‌ای جدی و افسرده آمدند (حسینی، ص. ۱۷۶).

- اول در ایوان ظاهر شدند و بعد در کنار هم آهسته آمدند، جدی و غمگین (کیهان، ص. ۱۶۶).

از دیگر کلمات با الگوی مکرر افزوده «روزبه‌روز»، «گردبرگرد»، «سال‌به‌سال»، «سربه‌سر»، «دوردورها» و «نرم‌نرمک» بودند.

نمود سبک صالح حسینی در انتخاب واژگان

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، فراوانی واژه‌هایی بود که سبک صالح حسینی را به سبکی «کهن‌گرا»^۱ و درعین حال «ادبی» متمایل می‌ساخت. به‌زعم فتوحی (۲۰۱۲)، کهن‌گرایی به زبانی اطلاق می‌شود که کاربرد عناصر زبانی کهن در سطح تکواژ، واژه، عبارت و ساختار نحوی در متن یا گفتار عصر حاضر مشهود باشد. در ترجمه‌های بررسی شده از صالح حسینی، کهن‌گرایی در سطح انتخاب واژگان با کاربرد کلمات عربی، بسیار به چشم می‌خورد. مثال‌های زیر بیانگر کاربرد کلمات عربی در ترجمه‌های این مترجم هستند:

11. ... not to speak of the Tigris waters, near the **site** of Nineveh, being too shallow for any whale to swim in...

- ... بگذریم از دجله که نزدیک اطلال نینوا از بس پایاب دارد که شنا کردن در آن برای وال میسر نیست (حسینی، ص. ۴۸۴).

- ... و این در صورتی است که ذکری از آب دجله نکنیم که در نزدیکی محل شهر نینوا آنقدر کم‌عمق است که هیچ والی نمی‌تواند در آن شنا کند (داریوش، ص. ۲۷۸).

12. ... and **partook** of this unornamented beauty which so deeply impressed her.

- و از این زیبایی بی‌زیوری که لیلی را سخت تحت تأثیر قرار می‌داد، حصه‌ای می‌برد (حسینی، ص. ۱۷۸).

- ... و به بخشی از آن زیبایی عاری از زینت که به نظرش چنان پرآبخت آمده بود، تبدیل شد (کیهان، ص. ۱۶۷).

تعداد کلمات عربی در نمونه بررسی شده از کتاب موی دیک یا نهنگ بحر ۸۵ و در کتاب به سوس فانوس دریایی ۴۵ عدد بود. از جمله این واژگان می‌توان به «لاینقطع»، «الاخ»، «فی‌المثل»، «شلاله»، «تمشیت» و «ابدالاباد» اشاره کرد.

به‌علاوه، در ترجمه‌های صالح حسینی واژگان ادبی بسیار زیادی به چشم می‌خورند. واژگان ادبی آن دسته از کلمات هستند که در اشعار، ترانه‌ها و متون ادبی یافت می‌شوند، در کلام روزمره کاربرد بسیار اندکی دارند و هدف از کاربرد آنها

1. archaism

فاخرسازی و فصیح‌سازی متن است (بالدیک^۱، ۲۰۰۴). پژوهشگران، در نمونه بررسی شده از کتاب *مویب‌دیک یا نهنگ بحر* ۷۸ مورد و در کتاب *به سوی فانوس دریایی* ۶۸ مورد از واژگان ادبی یافتند. از جمله این واژگان «تردامنی»، «تیزپوی»، «دلریسه»، «دلایز»، «ورزاو (گاو)»، «شرزه»، «لته» و «فریبایی» هستند:

13. A gentle joyousness--a mighty mildness of repose in **swiftness**, invested the gliding whale.

- مسرت و وقار-اعتدال و آرامش عظیم در عین تیزپویی، تشریف قامت وال شده بود (حسینی، ص. ۷۰۶).

- نشاطی ملایم-یا ملایمت شگرف آرامش در شتاب، وال پیشرو را دربرگرفته بود (داریوش، ص. ۴۰۲).

14. There was Rose gazing at her father, there was Roger gazing at his father; both would be off in **spasms of laughter** in another second...

- این از رُز که به پدرش چشم دوخته بود، آن از راجر که به پدرش چشم دوخته بود؛ می‌دانست که هر دو تا لحظه‌ای دیگر با دلریسه از اتاق درمی‌روند... (حسینی، ص. ۱۱۲).

- رُز به پدرش خیره شده بود. راجر به پدرش خیره شده بود. هر دو لحظه‌ای بعد می‌زدند زیر خنده... (کیهان، ص. ۱۰۸).

نمود سبک صالح حسینی در سطح عبارات

استفاده از نرم‌افزار «پیکره زبانی» و «دستور ان‌تایی‌ها» نشان داد که صالح حسینی گرایش وافر به کاربرد عباراتی دارد که زبان‌شناسان آن را «تتابع اضافات»^۲ می‌نامند. این ساختار «آوردن کسره‌های متوالی است خواه در اضافه باشد و خواه در وصف» (همایی، ۱۳۷۳، ص. ۱۵) و هدف از کاربرد آن، دست‌کم در نظم، باشکوه‌تر ساختن و پیوستگی کلمات است. در جملات زیر کاربرد این ساختار مشهود است:

15. But look at **the godly, honest, unostentatious, hospitable, sociable, free-and-easy whaler!**

1. Baldick

2. sequence of genitive

- ولی کشتی والگیری باخدای درستکار گلرنگ مهمان‌نواز آمیزگار بی تکلف را
باش! (حسینی، ص. ۳۳۰).

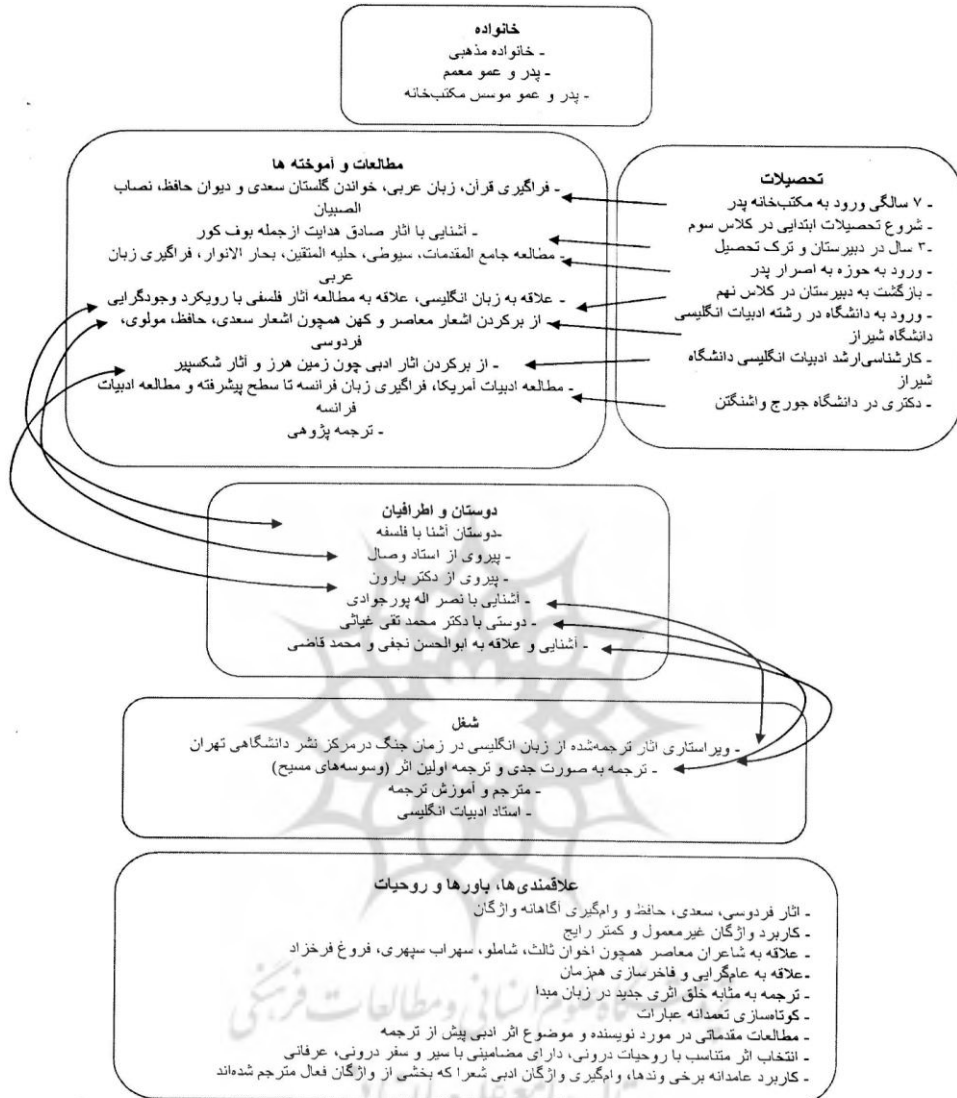
- اما به کشتی والگیر نجیب و درست و عاری از گستاخی و میهمان‌نواز و
اجتماعی و آزاده و آسوده نگاه کنید (داریوش، ص. ۱۱۸).

16. Looking like **an old pagan god, shaggy**, with weeds in his hair and the trident (it was only a French novel) in his hand.

- به یکی از خدایان اساطیری درازگیسویی شباهت داشت که علف دریایی بر مو
و نیزه سه شاخه (ولی خوب یک رمان فرانسوی بود) در دست دارد (حسینی، ص.
۲۳۲).

- با علف‌هایی که به موهایش چسبیده بود و کتابی که در دست داشت (یک رمان
فرانسوی بود) به یکی از خدایان اساطیری شباهت داشت (کیهان، ص. ۲۲۰).

در نمونه بررسی شده از کتاب موبی‌دیک یا نهنگ بحر ۴۹ مورد و در کتاب به
سوی فانوس دریایی ۲۹ مورد از این دست عبارات یافت شد.
نتایج تحلیل محتوای قیاسی از مصاحبه
چنانکه پیش‌تر گفته شد، متن مصاحبه با شیوه قیاسی تحلیل و گدگذاری شد
(تصویر ۱).



شکل ۱. مضامین اصلی و مصادیق حاصل از مصاحبه

پژوهشگران در مصاحبه با صالح حسینی به دنبال مضامین از پیش تعیین شده بودند که ارتباط میان سبک ترجمه‌ای صالح حسینی را با عادتواره او و بالطبع سرمایه و میدان عمل وی، به تصویر بکشد. تصویر ۱ تأیید یافته‌های پژوهشگران را در مسیر اوّل پژوهش نشان می‌دهد. صالح حسینی در پاسخ به پرسش‌هایی که به‌منظور ردّ یا

تأیید یافته‌ها از وی پرسیده شد، به‌صراحت اذعان داشت که انتخاب واژگان با برخی از ساختواژه‌های خاص دلیلی است بر ذائقه و سلیقه شخصی وی. همچنین وی معتقد است، به دلیل استمرار در مطالعه برخی از آثار ادبی فاخر، واژگان، به‌نوعی جذب وجود او شده‌اند و نمی‌توان گفت کاملاً آگاهانه و با مراجعه به منبع خاصی از آن واژگان بهره می‌گیرد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی واژگان «تک‌بسامدی» و «ان‌تایی‌ها» از خروجی‌های نرم‌افزار «انت‌کانک»، محاسبه نسبت «نوع-واژه» به «نماد-واژه»، «فراوانی واژگان عربی و ادبی»، در کنار عباراتی که با آرایه «تتابع‌اضافات» مزین شده بودند نشان از سبک خاص صالح حسینی می‌دهد که می‌توان با اطمینان آن را سبک کهن‌گرای صالح حسینی نامید. فهرست واژگان تک‌بسامدی، گرایش صالح حسینی را در کاربرد واژگانی با الگوی «وندافزایی و مکرر» نشان داد. نمونه‌های بسیاری از این الگوها و شاید عیناً همان واژگان را در آثار شاعران و نویسندگان به‌نام ایرانی می‌توان یافت. برای مثال، قید «خیرخیر» در اشعار فردوسی:

آوای گُردان و بـاران تیـر همی چشم خورشید شد خیرخیر

«حصه» در اشعار مولانا:

از کلیله بازخوان آن قصّه را و اندر آن قصّه طلب کن حصه را

و «اطلال» در اثری از ناصر خسرو:

عرعر قد صنمی را شکند پشت گه منظر و کاخ ملکی را کند اطلال

به کار رفته است. کاربرد تتابع‌اضافات، می‌تواند گواه بر آگاهی تمام و کمال صالح حسینی از این مسأله باشد که این صنعت شعری که در اشعار شاعران ایرانی بسیار به چشم می‌خورد، معنی را چون زنجیری پیوسته به ذهن متبادر می‌سازد، جلوه ویژه‌ای به زبان می‌دهد و متن را با زبان عام و رایج متمایز می‌کند. به‌علاوه، کاربرد این صنعت می‌تواند گواه بر این باشد که صالح حسینی در ترجمه‌هایش رویکردی

«بسنده-محور»^۱ اختیاری می‌کند؛ چراکه در زبان انگلیسی کاربرد چندین اسم به‌عنوان توصیف‌گر بسیار رایج است. این بخش از یافته‌ها، نتایج دلزنده‌رودی (۲۰۱۰) را تأیید می‌کند. دلزنده‌رودی در پژوهش خود دریافت که صالح حسینی در ترجمه به سوی *فانوس دریایی رویکردی «منبع-محور»* و *بجانیان*^۲ رویکردی «مقصد-محور» اتخاذ کرده‌اند.

تنوع واژگانی بالای ترجمه‌های صالح حسینی شاهدهی است بر سرمایه‌واژگانی وی که در اثر استمرار حضور او در میدان ادبی قوام یافته است. این بخش از نتایج یافته‌های *حُرّی* (۱۳۹۰) را مبنی بر اینکه صالح حسینی کمتر در ترجمه‌هایش از همگانی‌های «تصریح»^۳ و «ساده‌سازی» استفاده می‌کند، تایید می‌نماید.

نتایج بررسی متون ترجمه‌شده به‌روشنی نشان داد که سبک ترجمه‌ای و ذائقه ادبی صالح حسینی در انتخاب واژگان و ساختار عبارات متأثر از میدان‌هایی است که در مسیر زندگی در آنها به سربرده است. ساختار ذهنی صالح حسینی و عاملیت او محصول نحوه جامعه‌پذیری اصلی وی و اکتساب عادتواره‌ای است که تمایلات و ترجیحات وی را در کاربرد الفاظ عربی و ادبی، میل به آشنایی با آثار ادبی فاخر و علاقه به مطالعه و فراگیری آنها جهت می‌دهد. محیط‌های آموزشی که بعدها ساختار ذهنی وی را شکل دادند و نهادهای ادبی که صالح حسینی عضوی از آنها بوده و به‌نوعی با جامعه‌پذیری اصلی وی در ارتباط هستند، تأثیر عمیقی بر عادتواره حرفه‌ای او، به‌عنوان یک مترجم، داشته‌اند؛ بنابراین میدان‌ها با عادتواره‌های حاکمشان، خُلق‌وخو و عادتواره‌ای را برای وی رقم زدند که تجلی آن را می‌توان در ترجمه ایشان تشخیص داد. ترجمه‌هایی که صالح حسینی خالق آنها بوده و هست از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته وی نصیب فراوان برده‌اند. این سرمایه فرهنگی که نطفه‌اش در بستر خانواده بسته شده است، سبب پیدایش عادتواره اصلی او است و موضع‌گیری‌ها و خُلق‌وخویش را نه‌تنها در انتخاب اثر برای ترجمه، بلکه در گزینش زبان ترجمه

1. adequate translation

2. Bejaniyan

3. explication

جهت می‌بخشد. در این میان، اشاره به سرمایه اجتماعی صالح حسینی نیز در مسیر زندگی‌اش خالی از لطف نیست. معاشرت با اساتید و شخصیت‌هایی که مسلماً به واسطه حضور او در میدان‌های خاصی سر راهش قرار گرفتند، عادتواره فرعی وی را قوام بخشید؛ بنابراین، در مجموع تمایل به انتخاب آثاری با مضامین عرفانی و درون‌کاوانه، کاربرد واژگان عربی و ادبی فراوان، استفاده از وندهای زبان فارسی با میزان زبانی متفاوت و آرایه‌تتابع اضافات نمود بیرونی عادتواره و سرمایه فرهنگی صالح حسینی است که در نتیجه موضع و جایگاهش در میدان‌های خانواده، مدرسه، دانشگاه، ترجمه و خلق آثار فرهنگی، موضع‌گیری وی را تعیین می‌کند. این امر خود حاصل یک فرایند تاریخی است و چنانکه گفته شد، تأثیر دیگر عاملان حاضر در این میدان‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت.

از طرفی، از آنجاکه بوردیو (۱۹۸۴) معتقد است سرمایه فرهنگی می‌تواند تعیین‌کننده ارزش‌ها باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که صالح حسینی از ذائقه زبانی خود عامدانه و آگاهانه به‌عنوان عنصر متمایزکننده استفاده می‌کند و در نتیجه، در مقام یک استاد دانشگاه و مترجم به‌نام، که از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار است، کمتر انتظار می‌رود که از ساختارهای روزمره و عامه‌فهم استفاده نماید.

تفاوت سبکی صالح حسینی با دو مترجم دیگر را می‌توان چنین تبیین نمود که مترجمان با عادتواره‌های متفاوت که شرایط متفاوتی را زیسته و تجربه کرده‌اند، نمی‌توانند از ذائقه یکسانی برخوردار باشند. البته می‌توان مشترکات رفتار ترجمه‌ای چند مترجم در یک دوره را به عاملیت مترجم در سطح کلان، یعنی سطح ساختاری و بیرونی نسبت داد و آن مشترکات را عادتواره به‌مثابه مجموعه هنجارهای حاکم تعبیر نمود. از این‌رو می‌توان دریافت که ساختمان‌های ذهنی مترجمان امکان اعمال عاملیتشان را به شکل‌های متفاوت برایشان فراهم می‌کند.

کتاب‌نامه

حُرّی، ا. (۱۳۹۰). سبک در ترجمه: راهکارهای فردی صالح حسینی از رهگذر همگانی‌های ترجمه در ترجمه خشم و هیاهو. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱۶ (۶۲)، ۲۳-۴۲.

- حسینی، ص. (۱۳۸۷). به سوی فانوس دریایی. تهران: انتشارات نیلوفر.
- حسینی، ص. (۱۳۹۴). موبی دیک یا نهنگ بحر. تهران: انتشارات نیلوفر.
- خجسته، ک. (۱۳۸۷). به سوی فانوس دریایی. تهران: نشر نگاه.
- داریوش، پ. (۱۳۴۴). موبی دیک یا وال سفید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دلزنده‌رودی، س.، و اولیایی‌نیا، ه. (۱۳۹۳). وجهیت در ترجمه: مورد پژوهی ترجمه‌های فارسی سبک روایی وولف در رمان *The Waves*. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۴(۲)، ۷۳-۹۳.
- رضوانی، ر.، و احمدیان، م. (۱۳۹۸). نقش تفاوت‌های جنسیتی در کیفیت ترجمه: بررسی سبک نگارش مترجمان زن و مرد. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۲(۲)، ۱۳۳-۱۵۴.
- سیدمن، ا. (۱۳۹۲). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- شقایق، و. (۱۳۹۲). مبانی صرف واژه. تهران: انتشارات سمت.
- شمیسا، س. (۱۳۷۶). سبک‌شناسی نثر. تهران: انتشارات میترا.
- فتوحی، م. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن.
- همایی، ج. (۱۳۷۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی. نشر هما.

- Baker, M. (2000). Towards a methodology for investigating the style of a literary translator. *Target*, 12(2), 241-266.
- Baldick, C. (2004). *The concise Oxford dictionary of literary terms*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Bourdieu, P. & Wacquant, L. J. D. (1992). *An invitation to reflexive sociology* (L. J. D. Wacquant, Trans). Cambridge, England: Polity Press.
- Bourdieu, P. (1977). *Outline of a theory of practice* (R. Nice, Trans). Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction. A social critique of the judgement of taste* (R. Nice, Trans). Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson, *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). New York, NY: Greenwood.
- Chesterman, A. (2009). The name and nature of translator studies. *Hermes – Journal of Language and Communication in Business*, 42, 13-22.
- Delzendehtrooy, S. (2010). Adequacy or acceptability? Toward making the style of the author known. *Translation Studies Quarterly*, 8(30), 27-42.
- Dirdal, H. (2019). Factors influencing the translation of –ing participial free adjuncts. In M. Mahlberg & V. Wiegand (Eds.). *Corpus linguistics, context and culture* (pp. 197-222), Berlin, Boston: De Gruyter
- Haspelmeth, M., & Sims, A. D. (2010). *Understanding morphology* (2nd ed.). New York, NY: Routledge.

- Hatch, J. A. (2002). *Doing qualitative research in education setting*. Albany, NY: State University of New York Press.
- Hu, K. & Li, X. (2018). Corpus-based critical translation studies: Research areas and approaches. *Meta*, 63(3), 583–603.
- Ji, M. (2012). Hypothesis testing in corpus-based literary translation studies. In M. P. Oakes & M. Ji (Eds.). *Quantitative methods in corpus-based translation studies* (pp. 53-73), Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Kenny, D. (2001). *Lexis and creativity in translation: A corpus-based study*. New York, NY: Routledge.
- Kumiko, T. (2014). Oral history as a research method to study interpreters' habitus. In G. M. Vorderobermeier (Ed.). *Remapping habitus in translation studies* (pp. 135- 148), Amsterdam, New York: Rodopi.
- Li, D. (2017). Translator style: A corpus-assisted approach. In M. Ji, L. Hareide, D. Li & M. Oakes (Eds.). *Corpus methodologies explained: An empirical approach to translation studies* (pp. 103-136), London, New York: Routledge.
- Malamatidou, S. (2018). *Corpus triangulation combining data and methods in corpus-based translation studies*. London, New York: Routledge.
- Melville, H. (1851). *Moby-Dick; or the whale*. US: Harper & Brothers Pub.
- Meng, L. (2019). *Gender in literary translation: A corpus-based study of the English translations of Chenzhong De Chibang*. Singapore: Springer.
- Patton, J. M., & Can, F. (2012). *Quantitative methods in corpus-based translation studies*. Amsterdam, New York: John Benjamins Publishing Company.
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. London: Sage Publications.
- Teddlie, C., & Tashakkori, A. (2009). *Foundations of mixed methods research: Integrating quantitative and qualitative approaches in the social and behavioral sciences*. London, England: Sage Publications.
- Toury, G. (1995). *Descriptive translation studies and beyond*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Woolf, V. (1927). *To the lighthouse*. UK: Hogarth Press Pub.
- Yannakopoulou, V. (2014). The influence of the habitus on translatorial style: Some methodological considerations based on the case of Yorgos Himonas' rendering of Hamlet into Greek. In G. M. Vorderobermeier (Ed.). *Remapping habitus in translation studies* (pp. 163-182), Amsterdam, New York: Rodopi.
- Zanettin, F. (2013). Corpus methods for descriptive translation studies. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 95, 20-32.

درباره نویسندگان

مهرنوش فخارزاده استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه غیرانتفاعی شیخ‌بهایی است و زمینه‌های پژوهش ایشان مطالعات مترجم، جامعه‌شناسی ترجمه و ترجمه آثار دیداری‌شنیداری است.

احمد دباغ‌زاده دزفولی کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات ترجمه از دانشگاه شیخ‌بهایی است و زمینه پژوهش ایشان مطالعات ترجمه، ترجمه ادبی و جامعه‌شناسی ترجمه است.